



شما در حال مطالعه نسخه آنلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

۳۱۳ صفت انگلیسی کاربردی + ترجمه فارسی

🕒 ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ ارسال شده توسط علی بهادری 📁 مقالات زبان انگلیسی © ۶۰.۴۲k بازدید



لیست صفات زبان انگلیسی

English Adjectives

صفت انگلیسی



صفت های انگلیسی

صفت ها در توصیف و گسترش یکی از مهم ترین انواع کلمات در زبان انگلیسی، یعنی اسم ها (nouns) به کار می روند. اگر بر صفت های مختلف با کاربردهای مختلف در زبان انگلیسی مسلط باشید، می توانید تقریباً همه چیز را توصیف کنید! در این مقاله از [آموزش زبان انگلیسی](#) زبان مستر به پرکاربردترین این صفت ها می پردازیم و گاهی به شکل موضوعی نیز به صفات می پردازیم. با ما همراه باشید.

لیست صفت های انگلیسی

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
تمیز و مرتب	clean	دوست داشتنی	adorable
تمیز و پاکیزه	clear	ماجراجو	adventurous
باهوش	clever	پرخاشگر / خشن	aggressive
ابری	cloudy	قابل پذیرش و توافق	agreeable
دست و پا چلفتی	clumsy	هوشیار	alert
رنگی (رنگی)	colorful	زنده	alive
مبارز و جنگجو	combative	سرگرم	amused
راحت	comfortable	عصبانی	angry
نگران	concerned	آزرده	annoyed
محکوم	condemned	آزارنده	annoying
گیج و سردرگم	confused	نگران	anxious
حرف گوش کن (کسی که همکاری می کند)	cooperative	متکبر	arrogant
بادل و جرئت	courageous	شرمنده	ashamed
دیوانه	crazy	جذاب	attractive
ترسناک	creepy	میانگین / متوسط	average
شلوغ	crowded	خیلی بد	awful
بی رحم / بدرفتار	cruel	بد	bad
کنجکاو	curious	زیبا	beautiful
بانمک و ناز	cute	بهتر	better
خطرناک	dangerous	گیج و سردرگم	bewildered
تاریک	dark	سیاه	black
مرده	dead	خون آلود	bloody
شکست خورده	defeated	آبی	blue

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
بی اعتنا (کسی که مطیع نیست)	defiant	چشم آبی	blue-eyed
لذت بخش و خوشایند	delightful	خجالتی / خاضع	blushing
افسرده	depressed	خسته و کسل / ملول	bored
مصمم	determined	با فکر	brainy
متفاوت	different	شجاع	brave
دشوار	difficult	قابل شکستن / شکستنی	breakable
بیزار (دارای حس اشمئزاز)	disgusted	روشن / باهوش	bright
متفاوت و مشخص	distinct	مشغول	busy
آزرده	disturbed	آرام	calm
گیج و منگ	dizzy	پردقت	careful
مشکوک	doubtful	هوشیار / محتاط	cautious
یکنواخت و خسته کننده	drab	فریبنده و دلنشین	charming
خشک و کسل کننده	dull	خوشحال و سرزنده	cheerful

سری دوم صفت ها

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
درخشان (از تمیزی و ...)	gleaming	مشتاق	eager
باشکوه	glorious	راحت و آسان	easy
خوب	good	بسیار خوشحال و هیجان زده	elated
دوست داشتنی	gorgeous	زیبنده و باشکوه	elegant
برازنده، جذاب و باشکوه	graceful	شرمنده و خجل	embarrassed
عزادار / مغموم	grieving	دلربا و افسونگر	enchanted
عجیب و غریب (بی تناسب)	grotesque	تشویق کننده / دلگرم کننده	encouraging
بدخلق / ترشو	grumpy	پرانرژی	energetic
خوشتیپ	handsome	مشتاق و مجذوب	enthusiastic
خوشحال	happy	حسود	envious
سلامت / سالم	healthy	شیطانی	evil
مفید / کمک کننده	helpful	هیجان زده	excited
درمانده / مستاصل	helpless	گران	expensive
بسیار بامزه	hilarious	بسیار خوشحال، هیجان زده و پرانرژی	exuberant
بی خانمان	homeless	منصفانه	fair
ساده و خودمانی / نه چندان جذاب	homely	با ایمان	faithful
وحشتناک	horrible	مشهور	famous
گرسنه	hungry	شیک و مجلل	fancy
جریحه دار	hurt	عالی / فوق العاده	fantastic
مریض	ill	پر حرارت / عصبی و آماده حمله (برای حیوانات)	fierce
مهم	important	کثیف	filthy
غیرممکن	impossible	خوب	fine

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
ارزان / مقرون به صرفه	inexpensive	احمقانه	foolish
بی گناه	innocent	شکننده	fragile
کنجکاو و پیگیر	inquisitive	شکننده	frail
دارای خارش	itchy	برآشفته	frantic
حسود / غیرتی	jealous	صمیمی و خوش رفتار	friendly
عصبی و ناآرام	jittery	ترسیده و مرعوب	frightened
خوشحال و بانشاط	jolly	بامزه	funny
خوشحال و بانرژی	joyous	آرام	gentle
مهربان	Kind	بااستعداد	gifted
تنبل	Lazy	مسحور کننده	glamorous

سری سوم صفت ها

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
فقر	poor	کمرنگ / سبک	light
قدرتمند	powerful	سرزنده و پرنشاط	lively
نفیس و پرازش	precious	تنها (همراه با ناراحتی)	lonely
تیغ دار / زبر	prickly	طولانی / بلند	long
مغرور	proud	دوست داشتنی	lovely
متعفن و فاسد	putrid	خوش شانس	lucky
سرگردان	puzzled	مجلل / باشکوه	magnificent
غیرمعمولی و جذاب	quaint	مه آلود	misty
واقعی	real	مدرن	modern
رها / با خیال راحت	relieved	بی حرکت	motionless
زنده	repulsive	گل آلود	muddy
ثروتمند	rich	نرم و خیس / احساساتی	mushy
ترسناک	scary	اسرارآمیز	mysterious
خودخواه	selfish	حال به هم زن	nasty
درخشان	shiny	شیطان / ناغلا	naughty
خجالتی	shy	عصبی	nervous
احمق / احمقانه	silly	خوب / مهربان و خوش برخورد	nice
خواب آلود	sleepy	با طعم آجیل / دیوانه	nutty
خندان / لبخند برب	smiling	مطیع	obedient
مه دود آلود	smoggy	زننده	obnoxious
دردمند	sore	عجیب و غریب / فرد	odd
تمیز / درخشان	sparkling	قدیمی	old-fashioned
عالی / پرزرق و برق / باشکوه	splendid	باز	open
بسیار تمیز	spotless	شوکه کننده و غیرمنطقی	outrageous

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
طوفانی	stormy	متمایز و عالی	outstanding
عجیب و غریب	strange	دستپاچه / دستپاچه کننده	panicky
احمق / احمقانه	stupid	بی نقص	perfect
موفق	successful	ساده	plain
بسیار خوب	super	خوشایند	pleasant
بااستعداد	talented	آماده / آرام و خونسرد	poised

سری چهارم صفت ها

معنی فارسی	صفت انگلیسی	معنی فارسی	صفت انگلیسی
ناراحت / دلخور / آشفته	upset	رام شده / خسته کننده و ناامید کننده	tame
آزرده و نگران و عصبی	uptight	مزه دار / خوشمزه	tasty
عظیم / وسیع	vast	نازک، لطیف و حساس	tender
پیروز / فاتح	victorious	عصبی و نگران / پرتنش	tense
بانشاط و سرزنده	vivacious	افتضاح	terrible
سرگردان / آواره	wandering	قدردان	thankful
خسته	weary	بافکر	thoughtful
خیبث	wicked	بی فکر	thoughtless
کسی که چشمش گرد شده	wide-eyed	خسته	tired
وحشی	wild	سفت و سخت / دشوار	tough
زیرک	witty	پرمشکل / نگران	troubled
نگران	worried	زشت ترین	ugliest
نگران کننده	worrisome	زشت	ugly
اشتباه	wrong	بی علاقه	uninterested
دیوانه	zany	ناخوشایند / بدمنظر	unsightly
هواخواه / مشتاق	zealous	غیرعادی	unusual

صفت های انگلیسی برای شخصیت

- **Adaptable**: انطباق پذیر
- **Affable**: مهربان و خوشخو
- **Affectionate**: پرعشق و مهربان
- **Ambitious**: جاه طلب
- **Amiable**: صمیمی و خوشایند
- **Amicable**: بی حاشیه و خوش برخورد
- **Amusing**: سرگرم کننده
- **Broad-minded**: روشن فکر / فردی با ذهن باز
- **Calm**: آرام
- **Careful**: محتاط و با دقت
- **Communicative**: اجتماعی / کسی که خوب صحبت می کند و ارتباط برقرار می کند
- **Compassionate**: دلسوز / غمخوار
- **Conscientious**: وظیفه شناس
- **Considerate**: باملاحظه
- **Convivial**: خوش مشرب
- **Courageous**: با دل و جرئت
- **Courteous**: مودب و محترم
- **Creative**: خلاق
- **Decisive**: قاطع
- **Diligent**: سخت کوش
- **Diplomatic**: با سیاست
- **Discreet**: محتاط و بی سر و صدا
- **Dynamic**: پویا
- **Easygoing**: آسان گیر / بی قید / کسی که سخت نمی گیرد
- **Emotional**: احساسی
- **Fearless**: بی باک
- **Frank**: رک و روراست
- **Generous**: سخاوتمند
- **Gregarious**: اجتماعی
- **Hardworking**: سخت کوش

- **Honest**: صادق / روراست
- **Humorous**: شوخ طبع
- **Imaginative**: دارای قوه تخیل قوی
- **Impartial**: بی طرف
- **Independent**: مستقل
- **Intellectual**: فرهیخته
- **Intelligent**: هوشمند
- **Intuitive**: شهودی
- **Loyal**: وفادار
- **Modest**: متواضع
- **Optimistic**: خوشبین
- **Pessimistic**: بدبین
- **Passionate**: علاقه مند / شهوتی
- **Patient**: صبور / شکیبا
- **Persistent**: مصر و پایدار
- **Pioneering**: پیشتاز
- **Philosophical**: فلسفی
- **Plucky**: دلیر / باشهامت
- **Practical**: عملگرا
- **Quiet**: ساکت
- **Rational**: منطقی
- **Reliable**: قابل اعتماد / کسی که می توان روی او حساب کرد
- **Reserved**: محتاط و کم حرف
- **Resourceful**: کاردان
- **Romantic**: رمانتیک و احساسی
- **Self-confident**: کسی که اعتماد به نفس دارد
- **Sensitive**: حساس
- **Sincere**: با اخلاص / مخلص
- **Sociable**: اجتماعی
- **Straightforward**: روراست و رک / آسان

- Sympathetic: دلسوز
- Versatile: ماهر و با استعداد
- Willing: با تمایل

صفت های انگلیسی برای غذا

- Salty: شور
- Bitter: تلخ
- Sour: ترش
- Sweet: شیرین
- Bland: بی مزه / بی طعم
- Spicy: تند
- Savory: خوش طعم
- Rich: پرملات
- Refreshing: طراوت بخش (نعنا / خیار / ...)
- Greasy: چرب
- Piping hot: به شدت داغ
- Crunchy: غذایی که صدای قرچ قرچ می دهد (ته دیگ)
- Crispy: تُرد
- Tender: نرم و قابل برش و خوردن
- Flaky: پوسته پوسته (مثل کروسان)
- Chewy: جویدنی
- Smooth: صاف و نرم
- Creamy: خامه ای
- Moist: مرطوب / کمی خیس
- Dry: خشک